

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۹ / ۰۱ / ۲۶

دفاع از مذهب تشیع، در پاسخ به سخنان شیخ الأزهر

سخنرانی عمومی

مباحث ما پیرامون شیخ جدید الأزهر هست به نام دکتر احمد طیب. ایشان يك فرد صوفي مسلک است و رئیس قسمت أعظمي از صوفي‌هاي مصر است.

صوفي‌ها تقریباً در طول تاریخ، میانه خوبی با شیعه داشتند و علاقمند به أهل بیت (علیهم السلام) هستند و سوابق ایشان هم نسبت به شیعه، إفراطي نبوده است. جناب شیخ الأزهر در دومین برنامه عمومی‌ای که داشت،

اعلام کرد:

«ما در هیچ کشوری اجازه نشر فرهنگ شیعه را نمی‌دهیم؛ همان‌طوری که در ایران اجازه نمی‌دهند اهل سنت فعالیت و تبلیغ کنند. نشر فرهنگ شیعه، موجب می‌شود که جوانان ما به مذهب شیعه کشیده شوند و یا منجر به درگیری و کشتار می‌شود.»

این صحبت در حالی است که حوزه‌های علمیه‌ای که اهل سنت در کشور دارند، و در حال ترویج فرهنگ اهل سنت هستند، در مقایسه با شیعه، شاید حدود ۷ برابر باشد. آماری که من دارم، برای ۴ سال قبل است:

شافعی‌ها: ۷۲ حوزه علمیه و ۳۸۹۴ طلبه

حنفی‌ها: ۳۵۸ حوزه علمیه و ۱۷۲۴۷ طلبه

جناب شیخ الأزهر به ما اعلام کند در کدام‌یک از کشورهای اسلامی با شیعیان این‌گونه برخورد می‌کنند که در داخل کشور ایران با اهل سنت برخورد می‌کنند؟ یک نمونه به ما بگویید. در کدام‌یک از کشورهای اسلامی

حاشیه خلیج فارس، حتی کشور سوریه که ادعای دوستی با ما دارد، آیا حوزه‌های علمیه ما در آنجا آزاد هستند به این شکلی که حوزه‌های علمیه اهل سنت آزاد هستند؟ پس در مورد حرف اول ایشان، این آمارها، این قضیه را تکذیب می‌کند.

اما این که ایشان می‌گویند:

ما در هیچ کشوری اجازه نشر فرهنگ شیعه را نمی‌دهیم:

به ۲ دلیل:

۱. نشر فرهنگ شیعه، موجب می‌شود که جوانان ما به مذهب شیعه کشیده شوند.

۲. منجر به درگیری و کشتار می‌شود.

حدود ۴ سال قبل در اردن، همایش مجمع جهانی فقه اسلامی بود. در آنجا، حدود ۶۸ شخصیت علمی از ۲۷ کشور اسلامی شرکت کرده بودند و آمدند ۸ مذهب اسلامی را به عنوان مذهب رسمی اعلام کردند؛ ۵ مذهب از اهل سنت و ۳ مذهب از شیعه:

مذاهب اهل سنت: حنفي، مالکي، شافعي، حنبلي، إبازي (خوارج)

مذاهب شیعه: ۱۲ امامي، زیدي، اسماعيلي

ما به جناب شيخ الأزهر مي گوييم:

اگر شیعه، یکی از مذاهب اسلامی و مذهب رسمی است، چرا از نشر فرهنگ شیعه ابا دارید؟ شما به جایی تکیه زده‌اید که شیخ شلتوت، شیخ أسبق الأزهر تکیه زده بود و هنوز مرگب فتوای شیخ شلتوت خشک نشده است که رسماً فتوی داد:

«عمل کردن به مذهب شیعه و فتاوای علماء شیعه، همانند عمل به مذهب حنفی، حنبلی، شافعی، مالکی، مجزی است.»

این روش شما، ۱۰۰٪ مخالف با روش شیخ شلتوت، شیخ أسبق الأزهر است.

با توجه به این دو جواب، مذهب شیعه یکی از مذاهب رسمی ۸ گانه است و شیخ شلتوت، فتوی بر مجزی بودن عمل به مذهب شیعه داده است، شما در تاریخ داشته‌اید که يك عالمی، حنفی بوده و بعد از مدتی، شافعی شده است یا بر عکس و نقل از يك مذهب به مذهب دیگر، يك مسئله عادی و رسمی در میان علماء و بزرگان شما است.

اگر مذهب شیعه هم یکی از مذاهب ۸ گانه اسلامی است، چه اشکالی دارد که يك عالمی یا جوانی، روزی تشخیص دهد مذهب شافعی درست است و به آن عمل کند و روزی تشخیص دهد مذهب شیعه درست است و

به آن عمل کند؟ چرا وقتی يك جواني از مذهب شافعي به مذهب حنفي برمي‌گردد، حساسيت نشان نمي‌دهيد، ولي اگر به مذهب شيعة برگردد، اين‌چنين داد و بي‌داد و فرياد راه مي‌اندازيد؟

در ماه جمادي الثاني سال ۱۴۲۷ هجري، در اردن، همایشی بين المللي بود به نام **مجمع جهاني فقه اسلامي** و از ۲۷ کشور اسلامي هم دعوت شده بود. در اين همایش، بيانيه‌اي صادر شد و ۶۸ نفر امضاء کردند. من چند بند از اين بيانيه را مي‌خوانم:

بند اول: عدم تکفير هيچ يك از مذاهب اسلامي نسبت به يکديگر

«إن كل من يتبع أحد المذاهب الأربعة من أهل السنة و الجماعة الحنفي و المالكي و الشافعي و الحنبلي و المذهب الجعفري و المذهب الزيدي و المذهب الإباضي و المذهب الظاهري هو مسلم و لا يجوز تكفيره و يحرم دمه و عرضه و ماله و أيضا و وفقا لما جاء في فتوي شيخ الأزهر: لا يجوز تكفير أصحاب العقيدة الأشعرية و من يمارس التصوف الحقيقي و كذلك لا يجوز تكفير أصحاب الفكر السلفي الصحيح، كما لا يجوز تكفير أي فئة من

المسلمين تؤمن بالله سبحانه تعالي و برسوله صلي الله عليه و سلم و أركان الإيمان و أركان الإسلام و لا تنكر معلوما من الدين بالضرورة.»

کسي که از يکي از اين مذاهب ۸ گانه تبعیت کند، مسلمان است و کسي حق تکفير او را ندارد و مال و آبرو و جانس در امان است و مطابق فتوای شيخ الأزهر: کسي حق ندارد تکفير کند پيروان عقیده اشعري و تصوف واقعي و سلفيها و هر گروهی از مسلمانان را که ايمان به خدا و رسولش دارند و أركان ايمان و اسلام را قبول دارند و منکر ضروري دين نیستند.

بند دوم: اشتراك حداکثری مذاهب اسلامی با یکدیگر

«إنّ ما يجمع بين المذاهب أكثر بكثير مما بينها من الإختلاف، فأصحاب المذاهب الثمانية متفقون علي المبادئ الأساسية للإسلام، فكُلّهم يؤمنون بالله سبحانه و تعالي واحداً واحداً و بأنّ القرآن الكريم كلام الله المنزل المحفوظ من الله سبحانه و المصون عن التحريف و بسيدنا محمد عليه الصلاة و السلام نبياً و رسولاً للبشرية كافة و كلّهم

متفقون علي أركان الإسلام الخمسة: الشهادتين و الصلاة و الزكاة و صوم رمضان و حج البيت و علي أركان الإيمان: الإيمان بالله و ملائكته و كُتبه و رُسله و اليوم الآخر و بالقدر خيره و شره، و إختلاف العلماء من أتباع المذاهب هو إختلاف في الفروع و بعض الأصول و هو رحمة، و قديماً قيل: إن إختلاف العلماء في الرأي رحمة واسعة.»

موارد اشتراك مذاهب اسلامي، بيش از موارد إفتراق و إختلاف است. پيروان مذاهب ۸ گانه اتفاق نظر دارند بر اصول اساسي اسلام و تمام شان ايمان به خداوند واحد و أحد دارند و ايمان دارند كه قرآن كريم، كلام خداوند است كه نازل شده و خداوند آن را حفظ مي كند و مصون از تحريف است و معتقد به نبوت محمد صلوات و سلام الله عليه هستند و معتقد به أركان اسلام هستند: شهادتين و نماز و زكات روزه ماه رمضان و حج. معتقد به أركان ايمان هستند: ايمان به خدا و ملائكه و كتابهاي نازل شده و رسولان. و إختلاف علماء مذاهب، إختلاف در فروع است و در بعضي از اصول كه اين هم مایه رحمت است.

عدم اعتقاد شیعه به تحریف قرآن

این که بعضی از مفتیان وهابیت، هر روز در ماهواره ظاهر می‌شوند و می‌گویند شیعه معتقد به تحریف قرآن است، این **مجمع جهانی فقه اسلامی**، رسماً اعلام کرده است که هیچ‌یک از مذاهب اسلامی، قائل به تحریف قرآن نیستند. به تعبیر مرحوم حضرت آیت الله العظمی خوئی (ره):

«حدیث تحریف القرآن حدیث خرافة و خیال، لا یقول به إلا من ضعف عقله.»

البيان في تفسير القرآن للسيد الخوئي، ص ۲۵۹

بزرگان ما هم از شیخ مفید (ره)، شیخ صدوق (ره)، سید مرتضی (ره)، شیخ طوسی (ره) و شیخ طبرسی (ره) تا فقهاء معاصر، کسی را نداریم که قائل به تحریف قرآن باشد. اگر کسی در میان شیعه، مانند مرحوم نوری (ره) کتاب **فصل الخطاب** را می‌نویسد، گرچه شاگرد برومندش شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره) می‌گوید:

«نظر استاد ما این نبود که تحریف قرآن را اثبات کند، بلکه این بود که ما آن عقیده مسیحیان نسبت به انجیل را نداریم.»

بر فرض هم اجتهادش این است که قرآن، تحریف شده است، بعد از نوشتن این کتاب، صدها عالم و فقیه شیعی بر این کتاب، ردّیه نوشته‌اند. ولی جناب أبو داود سجستانی، از علماء قرن سوم و چهارم اهل سنت، که کتابی نوشت در تحریف قرآن به نام **المصاحف**، چند نفر از علماء اهل سنت برای این کتاب، ردّیه نوشتند؟ در قرن حاضر که جناب خطیب، از علماء الأزهر، کتابی نوشت به نام **الفرقان فی تحریف القرآن**، چند نفر از علماء اهل سنت برای این کتاب، ردّیه نوشتند؟

یکی از مواردی که باید خوب روی آن کار کنیم و آقایان وهابیت هم روی آن خوب کار می‌کنند، بحث تحریف قرآن است.

تفاوت ارکان ایمان و اسلام از دیدگاه شیعه با اهل سنت

همچنین ارکان اسلام و ایمان ما با ارکان اسلام و ایمان اهل سنت متفاوت است. روایات متواتر داریم از امام باقر (علیه السلام) و دیگر ائمه (علیهم السلام) که می‌فرمایند:

«بني الإسلام علي خمس علي الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج و الولاية و لم يناد بشيء كما نودي بالولاية.»

الكافي للشيخ الكليني، ج ۲، ص ۱۸

چون وقتی می‌گوییم اسلام، یعنی ایمان به خدا و رسولش. اگر کسی ایمان به خدا و رسولش نداشته باشد، معنا ندارد که بگوییم او مسلمان است.

اختلاف مذاهب اهل سنت بیشتر از اختلاف شیعه و اهل سنت

در میان مذاهب اهل سنت هم اختلاف وجود دارد. اختلافی که میان مذهب حنفی و مذهب شافعی است، بیش از اختلافی است که میان شیعه و اهل سنت است. اختلاف میان حنبلی‌ها و دیگر مذاهب، بیش از اختلاف میان شیعه و اهل سنت است. خیلی از فقهاء حنبلی فتوی داده‌اند:

من لم یکن حنبلیا فلیس بمسلم.

کسی که حنبلی نباشد، مسلمان نیست.

تذکره الحفاظ للذهبي، ج ۳، ص ۱۱۸۷ - تاریخ الإسلام للذهبي، ج ۳۳، ص ۵۸

هیچ‌یک از فقهاء شیعه، این چنین فتوایی نداده‌اند. ما بحث اسلام را از ایمان، جدا می‌دانیم. ما غیر شیعه را مسلمان می‌دانیم. یعنی گوینده شهادتین را مسلمان و پاک می‌دانیم و ذبیحه او را حلال و ازدواج موقت و دائم

با او را جائز و پشت سر او نماز خواندن را (بنا به فتوای بعضی از فقهاء) مجزی می‌دانیم. حال آن‌که خیلی از فقهاء شافعی فتوی داده‌اند:

اگر کسی پشت سر احناف نماز بخواند، باطل است.

احناف هم به عکس، فتوی داده‌اند. بعضی فتوی داده‌اند:

باید از شافعی‌ها جزیه گرفت؛ چون آنها به منزله اهل کتاب هستند.

خلاصه، این اختلافی که میان مذاهب اهل سنت است، به مراتب، بالاتر و عمیق‌تر از اختلافی است که میان شیعه و اهل سنت است. سال گذشته هم این آمار اختلافات و کشت و کشتاری که میان خود اهل سنت در تاریخ بوده را بحث کردیم.

بند سوم: فتوا دادن مفتیان بدون داشتن استحقاق لازم

«إنّ الاعتراف بالمذاهب في الإسلام يعني الإلتزام بمنهجية معينة في الفتاوي: فلا يجوز لأحد أن يتصدّي للإفتاء دون مؤهلات علمية معينة و لا يجوز الإفتاء دون التقيد بمنهجية المذاهب و لا يجوز لأحد أن يدّعي الإجتهد و يستحدث رأياً جديداً أو يقدم فتاوي مرفوضة تُخرج المسلمين عن قواعد الشريعة و ثوابتها و ما استقرّ من مذاهبها.»

... کسی که اهلیت برای فتوی دادن ندارد، حق فتوی دادن ندارد.

به تعبیر ملک عبد الله، پادشاه عربستان سعودی در بیانیه همایشی که در آبان ماه سال ۱۳۸۷ در مکه مکرمه بود:

«خيلي از مفتياني که در مکه وجود دارد، بدون اين که اهلبيت داشته باشند، شب مي خوابند و صبح، فتواي تکفير صادر مي کنند و وقتي متوجه مي شوند فتواي شان خلاف کتاب و سنت است، حاضر نمي شوند از فتواي شان دست بردارند.»

فتواي تکفيري آقاين مفتي ها را که نسبت به شيعة و معتزله و صوفيه صادر کردند، ببينيد؛ خيلي زياد است. الآن نزديک به ۶۵۰ ميليون صوفي سني در جهان هستند که از دیدگاه اين مفتيان، اينها کافر و نجس هستند. اينها فقط لبه تيز تکفيرشان متوجه شيعة نيست؛ بلکه خيلي از فرق اهل سنت را هم مي گيرد.

بند چهارم: لزوم گفتگو و مناظره علمی و دوستانه ميان مذاهب هشت گانه اسلامي

«إِنَّ لُبَّ مَوْضُوعِ رِسَالَةِ عَمَّانَ الَّتِي صَدَرَتْ فِي لَيْلَةِ السَّابِعِ وَالْعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ مِنْ عَامِ ١٤٢٥ لِلْهَجْرَةِ وَ قُرِئَتْ فِي مَسْجِدِ الْهَاشِمِيِّينَ، هُوَ الْإِتِّزَامُ بِالْمَذَاهِبِ وَ بِمَنْهَجِيَّتِهَا؛ فَالْإِعْتِرَافُ بِالْمَذَاهِبِ وَ التَّأْكِيدُ عَلَي الْحَوَارِ وَ الْإِلْتِقَاءِ بَيْنَهَا هُوَ الَّذِي يَضْمَنُ الْإِعْتِدَالَ وَ الْوَسْطِيَّةَ وَ التَّسَامُحَ وَ الرَّحْمَةَ وَ مَحَاوِرَةَ الْآخِرِينَ.»

ما باید میان اتباع مذاهب ۸ گانه، گفت‌وگویی علمی دوستانه و مناظره تشکیل بدهیم تا فاصله اختلافات کمتر و تقریب میان آنها بیشتر شود.

بند پنجم: احترام مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر

«إننا ندعو إلي نبذ الخلاف بين المسلمين و إلي توحيد كلمتهم و موافقهم و إلي التأكيد علي احترام بعضهم لبعض و إلي تعزيز التضامن بين شعوبهم و دولهم و إلي تقوية روابط الأخوة التي تجمعهم علي التحاب في الله و ألا يتركوا مجالاً للفتنة و للتدخل بينهم.»

باید تأکید کنیم که هر يك از مذاهب اسلامي با نظر احترام، به ديگر مذاهب نگاه کند و کسی حق ندارد ديگر مذاهب را تحقير و تکفير کند يا با کلمات درشت و گزنده نسبت به آنها سخن بگوید.

من فقط اسامي علماء ۲ کشور عربستان سعودي و مصر را اعلام مي‌کنم. از عربستان سعودي، کسانی که این بیانیه را امضاء کردند، این آقایان بودند:

۱. جناب دکتر محمد علي البار، از مرکز پژوهش‌هاي طبي ملك فهد

۲. آقاي شيخ عبد الله سليمان بن منيع، عضو هيئت كبار علماء عربستان سعودي

۳. دکتر حسن بن محمد، از دانشکده ادبيات علوم اسلامي دانشگاه ملك عبد العزيز

۴. استاد نبيل عبد الله نصيب، نائب رئيس پشتيباني بانك توسعه اسلامي جده

۵. دکتر محمد حبر، استاد فقه مقارن آموزش عالي قضاي عربستان سعودي

۶. دکتر محمد بن يحيي، استاديار دانشکده امنيت ملي ملك فهد

۷. دکتر احمد عبد العليم، پژوهش‌گر مجمع فقه اسلامي

۸. دکتر عبد القاهر قمر، پژوهش‌گر مجمع فقه اسلامي

اینها به نمایندگی از عربستان سعودي در این **مجمع جهاني فقه اسلامي** شرکت کرده بودند و این بیانیه را امضاء کردند و اعلام کردند:

مذهب شيعه، يکي از مذاهب رسمي و اسلامي است و کسي حق تکفير و تعرض به آنها را ندارد.

از مصر هم این آقایان بودند:

۱. دکتر علي جمعه محمد، مفتي مصر

۲. دکتر جعفر عبد السلام، رئیس ارتباطات دانشگاه‌هاي اسلامي مصر

۳. دکتر شوقي احمد دنيا، مدير دانشكده بازرگاني دانشگاه الأزهر

۴. دکتر محمد عبد المنعم أبو زيد، استاد دانشكده اقتصاد اسلامي دانشگاه يرموك مصر

پس جناب شيخ الأزهر كه مي گويد: ما در هيچ كشوري اجازه نشر فرهنگ شيعه را نمي دهيم. فرمايش ايشان مخالف اين بيانیه مجمع جهاني فقه اسلامي در اردن است كه چندين نفر از شخصيت هاي طراز اول مصر، از جمله مفتي كشور مصر، امضاء کرده اند.

اذعان بزرگان مصر و ديگر كشورهاي اسلامي به رسمي بودن مذهب تشيع

شما كه مذهب شيعه را رسمي نمي دانيد و اجازه نمي دهيد شيعه در كشورهاي اسلامي فعاليت كند، بزرگان مصر و ديگر كشورهاي اسلامي اعلام کرده اند كه مذهب شيعه، يكي از مذاهب رسمي اسلامي است و در بعضي

از حوزه‌ها، دفاع شیعه از اسلام، بیش از دفاع علماء أهل سنت بوده است و خدمات علماء شیعه، بیش از خدمات علماء أهل سنت بوده است. من به چند نمونه اشاره می‌کنم:

۱. شیخ محمود شلتوت، شیخ أسبق الأزهر

ایشان فتوی داد:

«إن مذهب الجعفرية المعروف به مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية مذهب يجوز التعبد به شرعا كسائر مذاهب أهل السنة.»

مذهب شیعه همانند دیگر مذاهب اسلامی است و می‌توان به آن عمل کرد و عمل به فتوای فقهاء شیعه، مجزی است، همان‌گونه که عمل به فتوای فقهاء مذاهب أهل سنت مجزی است.

إسلامنا للرافعي، ص ۵۹ - مجله رسالة الإسلام (زیر نظر مجمع التقريب مصر)، شماره ۳، سال ۱۱، محرم ۱۳۷۹

قمري، ص ۲۲۷

همچنین در مجله رسمي دانشگاه الأزهر در همین تاریخ، این فتوي آمده است. اگر در سايتهاي اينترنتي هم جستجو کنید، مي بينيد که در بیش از ۲۰۰ سايت، فتواي ايشان آمده است.

يکي از افاضاتي که دکتر قرضاوي (رئيس اتحاديه علماء جهان اسلام) کرد، اين بود:

این فتوايي که از شيخ شلتوت نقل مي کنند ، دروغ است. من که خودم با او بودم، ندیدم. در کتابهاي ايشان هم نيست و در هيچ مجله اي نيامده است.

اتفاقا يکي از علماء قطر، جوابي داده که در ۱۳ مصدر از مصادر أهل سنت و روزنامه هاي عصر شيخ شلتوت را آورده که فتواي شيخ شلتوت در اين روزنامه ها و مجلات منعکس شده است.

يكي از وهابي‌ها هم گفته است:

این بهتان به شیخ شلتوت بوده است و این را مجله رساله الإسلام، توسط آقای قمی نوشته‌اند.

بعد هم آن صفحه مورد نظر را اسکن کرده و یکسری حرف‌های بی‌اساس را مطرح کرده است. کسی نیست از ایشان سؤال کند اگر واقعا هم‌چنین فتوایی از شیخ شلتوت نقل شد، اگر واقعا دروغ بود، خود شیخ شلتوت باید انکار می‌کرد. این مجله، زیر نظر شیخ شلتوت چاپ می‌شد. مجله خود الأهر این مطلب را آورده است.

۲. شیخ محمد غزالی

«إن الشيعة يؤمنون برسالة محمد و يرون شرف علي في إنتمائه إلي هذا الرسول و في إستمساکه بسنته و هم

كسائر المسلمين.»

دفاع عن العقيدة و الشريعة للغزالي، ص ۲۵۷

۳. محمد رشید رضا

ایشان ناشر فرهنگ وهابی در مصر است و میانه خوبی با شیعه ندارد. همچنین در کتاب **تفسیر المنار** خود، تعریضات زیادی به شیعه دارد و مرحوم علامه امینی (ره) در **جلد پنجم الغدير**، مفصل جواب داده است.

ایشان می‌گوید:

... أن الخلاف مع الشيعة في مسائل لا يتعلق بها كفر ولا إيمان.

المنتقى من روائع فتاوي المنار، ج ۱، ص ۷۳۹

۴. حسن البنا

ایشان بنیان‌گذار **إخوان المسلمین** مصر است و می‌گوید:

«إعلموا أن اهل السنة و الشيعة مسلمون، تجمعهم كلمة لا إله إلا الله و أن محمد رسول الله و هذا أصل العقيدة، و السنة و الشيعة فيه سواء، أما الخلاف بينهما فهو في أمور من الممكن التقريب فيها بينهما.»

ذكريات لا مذكریات لعمر التلمساني، ص ۲۴۹ - مجلة العالم، شماره ۵۱۹، ص ۴۰

۵. امام محمد أبو زهره

ایشان از شخصیت‌های برجسته معاصر مصر است و الآن هم نظریات او در دانشگاه‌ها، به عنوان يك نظریه ثابت أهل سنت که نشان‌گر عقیده أهل سنت است، مطرح است. ایشان می‌گوید:

«لا شك أن الشيعة فرقة اسلامية . . . و هم يتوددون إلي من يجاورنهم من السنين و لا ينافرونهم.»

خلاصة تاريخ المذاهب الإسلامية، ص ۳۹

۶. سيد محمد طنطاوي

ایشان قبل از دکتر احمد طيب، شيخ الأزهر بود و مي گويد:

«إن المسلمين سنة و شيعة مؤمنون بالله و بنبيه و إن إختلاف الآراء لا يقلل من درجة إيمان الأشخاص.»

مجلة رسالة الثقلين، العدد الثاني، السنة الأولى ١٤١٣ هجري، ص ٢٥٢ و ٢٥٣

۷. دکتر احمد حصري

ایشان استاديار فقه مقارن در دانشكده شريعت و قانون در دانشگاه الأزهر است و مي گويد:

ما نبايد بدون حساب حرف بزيم و بدون اين كه كتاب و آراء شيعة را مطالعه كنيم، نبايد آنها تكفير كنيم و مطالب بي پايه نسبت به آنها بگويم.

لو تتبعنا فقههم بالبحث و النظر، لوجدنا أن شقة الخلاف ضيقة.

اگر فقه شیعه را بررسی کنیم، می بینیم که اختلافات فقه شیعه با أهل سنت، خیلی کم است.

من الفقه الإسلامي، ص ۱۰۵ و ۱۱۰ و ۱۱۳ و ۱۱۴

۸. عبد الفتاح عبد المقصود

ایشان از شخصیت‌های بلند آوازه أهل سنت است و می‌گوید:

«إن علماء الشيعة الأفاضل هم الذين لعبوا أدواراً لم يلعبها غيرهم في الميادين المختلفة، فكافحوا و ناضلوا و

قدموا أكبر التضحيات من أجل إعلاء الإسلام و نشر تعاليمه القيّمة و توعية الناس و سوقهم إلى القرآن.»

علماء شیعه، همواره میدان دار دفاع از اسلام بوده‌اند. به طوری که دیگر علماء، این چنین برای اسلام میدان داری نکرده‌اند. آنها بیشترین تلاش‌ها و بیشترین قربانی‌ها را برای اعتلای پرچم اسلام و تعلیم مردم و کشاندن آنها به طرف قرآن داده‌اند.

في سبيل وحدة الإسلامیة، ص ۵۳۷

حدود ۳۰، ۴۰ نفر از شخصیت‌های برجسته و بلند آوازه اهل سنت را یادداشت کرده‌ام که اعتراف کرده‌اند مذهب شیعه از مذاهب رسمی است.

گواهی تاریخ در تغییر مذهب بسیاری از بزرگان اهل سنت

در تاریخ ثبت شده است که بسیاری از بزرگان اهل سنت، روزی تابع یک مذهب بوده‌اند و روزی دیگر، تابع مذهب دیگر می‌شود:

۱. أبو ثور: از مذهب حنفي به مذهب شافعي برگشت.

۲. ابن عبد الحكم: از مذهب مالكي به مذهب شافعي و دوباره از مذهب شافعي به مذهب مالكي برگشت.

۳. أبو جعفر بن نصر: از مذهب حنبلي به مذهب شافعي برگشت.

۴. طحاوي: از علماء برجسته أهل سنت است و كتاب العقيدة الطحاوية ایشان، كتاب درسي تمام فرق اسلامي،

حتي وهابيت است. ایشان از مذهب شافعي به مذهب حنفي برگشت.

۵. سمعاني: ايشان صاحب كتاب الأنساب است و از مذهب حنفي به مذهب شافعي برگشت.

۶. خطيب بغدادي: از استوانه‌هاي علمي أهل سنت و صاحب كتاب تاريخ بغداد است و از مذهب حنبلي به

مذهب شافعي برگشت.

۷. آمدي: از مذهب حنبلي به مذهب شافعي برگشت.

۸. ابن برهان: از مذهب حنبلي به مذهب شافعي برگشت.

۹. ابن فارس: از مذهب شافعي به مذهب مالكي برگشت.

۱۰. ابن دهان: از مذهب حنبلي به مذهب حنفي و از مذهب حنفي به مذهب شافعي برگشت.

۱۱. ابن دقيق عید: از فقهاي بنام أهل سنت است و از مذهب مالكي به مذهب شافعي برگشت.

فیض القدیر شرح الجامع الصغیر للمناوی، ج ۱، ص ۲۷۳ - ذیل تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۵۷۵ - مختصر تاریخ ابن

الدريشي، ص ۳۰۳ - الأنساب، ج ۳، ص ۲۹۸ - البداية و النهاية لابن كثير، ج ۱۲، ص ۱۸۹

شخصیت‌هاي برجسته أهل سنت، معمولاً بين مذاهب، جولان مي‌دادند و از اين مذهب به آن مذهب مي‌رفتند و

کسي هم به آنها ايراد نمي‌گرفت.

اگر مذهب شیعه، یکی از مذاهب رسمی اسلامی است، چرا وقتی يك سني، شیعه می‌شود، این چنین جزع و فزع و ناراحتی می‌کنید و حکم تکفیر می‌دهید؟ اگر مذهب شیعه از مذاهب رسمی اسلامی است و اگر اینها معتقد به وحدانیت حق تعالی و نبوت نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) هستند، چه تفاوتی است که يك فقیهی از يك مذهب برگردد و شیعه شود؟

اولویت مذهب تشیع نسبت به مذاهب اهل سنت به دلیل نزدیک بودن آن به زمان پیامبر اکرم

جناب شیخ الأزهر! جناب دکتر احمد طیب! اگر شما به تاریخ مذاهب نگاه کنید، قدیمی‌ترین مذهب شما، حنفی است و أبو حنیفه، متوفای ۱۵۰ هجری است و بعد از او، مذهب مالکی است و مالک بن انس، متوفای ۱۷۸ هجری است و بعد از او، مذهب شافعی است و محمد بن إدريس شافعی، متوفای ۲۰۴ هجری است و بعد از او هم مذهب حنبلی است و احمد بن حنبل، متوفای ۲۴۱ هجری است. ولی شیعه، این افتخار را دارد که مذهبش، محمدی الحدوث و علوی البقاء است.

شیعه افتخار دارد که بذر تشیع، دوشادوش بذر اسلام، به دست نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) بر زمین افشانده شد و با تلاش‌های نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) در طول ۲۳ سال، همان‌گونه‌ای که درخت اسلام بارور شود، درخت تشیع هم بارور شد. شیعه و اسلام، دو روي يك سکه هستند. شیعه این افتخار را دارد که در کتاب‌های خود شما، بیش از ۴۰ روایت نقل شده است از نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) که فرمود:

يا علي! أنت و شيعتك هم الفائزون.

يا علي! أنت و شيعتك في الجنة.

يا علي! أنت و شيعتك خير البرية.

يا علي! أنت و شيعتك . . .

ما اینها را نسبت به تشیع داریم. شما نسبت به تسنن چه دارید؟ شما چند روایت دارید در رابطه با عمل به مذهب أبو حنیفه، مالک بن انس، محمد بن إدريس شافعی و احمد بن حنبل؟ صرف نظر از این که این مذاهب، تا قرن ۷ هجری، مذهب رسمی نبودند و این مذاهب ۴ گانه در قرن ۷ هجری به عنوان مذهب رسمی درآمد.

جناب آقای دکتر احمد طیب! اگر مذاهب اربعه شما از نیمه دوم قرن دوم رسیده کرده (و قدیمی ترین مذهب شما، مذهب حنفی است و أبو حنیفه در سال ۱۵۰ هجری از دنیا رفته است و اکثر اهل سنت معاصر هم حنفی مذهب هستند و آخرین مذهب شما، مذهب حنبلی است که برای قرن سوم است و احمد بن حنبل هم متوفای ۲۴۱ هجری است)، شیعه این افتخار را دارد که بذر مذهب شیعه به دست شخص نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) در سرزمین اسلامی کاشته شده است.

حدود ۴۰ روایت در این زمینه داریم که واژه شیعه در عصر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) از زبان پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) صادر شده است؛ این مذهب ما است. شما هم برای مذهب خودتان يك روایت یا دلیل و مدرک بیاورید.

شما مگر نمی‌گویید اهل سنت هستید؟ از سنت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) يك دليلي براي ما ارائه کنید که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرموده باشد هر کس یکی از مذاهب اربعه را داشته باشد، اهل بهشت است. گرچه اهل سنت از این خواب‌نمایی‌ها زیاد دارند و خواب‌هایی را در رابطه با أبو حنیفه و مالک و احمد آورده‌اند. اینها وقتی از دلیل قرآن و سنت، دست‌شان بریده می‌شود، به سراغ خواب می‌روند.

دلائل شیعه بر حقانیت مذهب شیعه

دلائل ما این روایات است:

روایت ابن عساکر:

این عساکر (از استوانه‌های حدیثی أهل سنت) با سند خودش نقل می‌کند که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) دست بر کتف حضرت علي (عليه السلام) گذاشت و فرمود:

«و الذي نفسي بيده! إن هذا و شيعته لهم الفائزون يوم القيامة.»

قسم به خدایی که جان من در دست اوست! این علي و شیعیانش، در روز قیامت، رستگار هستند.

تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۷۱ - شواهد التنزیل للحاکم الحسکانی، ج ۲، ص ۴۶۸ - المناقب للخوارزمی، ص ۱۱۱ - مناقب علي بن أبي طالب لابن مردويه الأصفهانی، ص ۳۴۷ - الدر المنثور للسيوطی، ج ۶، ص ۳۷۹ - فتح القدير للشوكاني، ج ۵، ص ۷۷

تفسیر آیه ۷ سوره بینه

در ذیل آیه شریفه:

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)

سوره بینه/آیه ۷

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) به حضرت علي (عليه السلام) مي فرمايد:

«تأتي أنت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين.»

تو و شيعيان تو در روز قيامت وارد مي شويد، در حالي كه شما از خدا راضي هستيد و خداوند هم از شما راضي است.

الدر المنثور للسيوطي، ج ٦، ص ٣٧٩ - شواهد التنزيل للحاكم الحسكاني، ج ٢، ص ٤٦١ - فتح القدير للشوكاني، ج ٥، ص ٤٧٧ - تفسير الألوسي، ج ٣٠، ص ٢٠٧ - مناقب علي بن أبي طالب لابن مردويه الأصفهاني، ص ٣٤٦

صحابه مشهور به شيعه علي

در كتابهاي معتبر أهل سنت آمده است كه تعدادي از صحابه در زمان خود نبي مكرم (صلي الله عليه و آله)، مشهور به شيعه علي بودند.

آقاي أبو حاتم رازي (از علماء لغت و علوم قرآني و متوفاي ٢٠٥ هجري) مي گويد:

«أن الشيعة لقب قوم كانوا قد ألفوا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب في حياة الرسول و عرفوا به، مثل سلمان الفارسي و أبي ذر الغفاري و المقداد بن الأسود و عمار بن ياسر و غيرهم و كانوا يقال لهم: شيعة علي و أصحاب علي.»

شیعه، لقبی است برای افرادی که در زمان رسول الله با علی آفت داشتند؛ مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن أسود، عمار بن یاسر و دیگران که به آنها شیعه علی یا أصحاب علی می‌گفتند.

کتاب الزینة، ص ۲۵۹

آقای محمد کُرد علی (رئیس مجمع علمی عربی دمشق و متوفای ۱۲۹۳ هجری و از علماء بزرگ و مورد اعتماد تمام مذاهب اسلامی) می‌گوید:

«عرف جماعة من كبار الصحابة بموالة علي في عصر رسول الله صلي الله عليه و سلم، مثل سلمان الفارسي.»

تعدادی از بزرگان و کبار صحابه در عصر رسول الله (صلي الله عليه و سلم)، اشتهار داشتند به موالات و شیعه علی؛ مانند سلمان فارسی.

دکتر صبحی صالح (نویسنده شرح نهج البلاغه و از علماء أهل سنت لبنان) نقل می‌کند:

«كان بين الصحابة حتي في عهد النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) شيعة لربيبه علي، منهم: أبو ذر الغفاري و المقداد بن الأسود و جابر بن عبد الله و أبي بن كعب و أبو الطفيل، عمر بن وائلة و العباس بن عبد المطلب و جميع بنيه و عمار بن ياسر و أبو أيوب الأنصاري»

در عصر نبي (صلي الله عليه و آله و سلم) تعدادي از صحابه، شيعه علي كه دست پروده نبي (صلي الله عليه و آله و سلم) بود، بودند؛ مانند: أبوذر غفاري، مقداد بن أسود، جابر بن عبد الله، أبي بن كعب، أبو طفيل، عمر بن وائلة، عباس بن عبد المطلب و فرزندانش، عمار بن ياسر و أبو أيوب أنصاري.

النظم الإسلامية، ص ۹۶

روایت أبو سعيد خدری

أبو سعيد خُدري مي گوید:

«أمر الناس بخمس، فعملوا بأربع وتركوا واحدة، فقال له رجل: يا أبا سعيد! ما هذه الأربع التي عملوا بها؟ قال: الصلاة و الزكاة و الحج والصوم - صوم شهر رمضان - . قال: فما الواحدة التي تركوها؟ قال: ولاية علي بن أبي طالب. قال: و إنها مفترضة معهن؟ قال: نعم و مثل أبي ذر الغفاري و عمار بن ياسر و حذيفة بن اليمان و ذي الشهادتين خزيمة بن ثابت و أبي أيوب الأنصاري و خالد بن سعيد بن العاص و قيس بن سعد بن عبادة.»

دستور داده شد كه مردم به ۵ ركن عمل كنند، ولي مردم به ۴ ركن عمل كردند و يك ركن را رها كردند. سؤال شد: آن ۴ ركن کدام اند؟ گفت: نماز و زكات و حج و روزه. سؤال شد: آن يك ركني كه رها شد، کدام است؟ گفت: ولايت علي بن أبي طالب. سؤال شد: آیا ولايت علي هم به همراه آن ۴ ركن، بر مردم واجب بود؟ گفت: بله، اينها هم شيعه علي بودند: أبوذر غفاري، عمار بن ياسر، حذيفة بن يمان، خزيمة بن ثابت، أبو أيوب أنصاري، خالد بن سعيد بن عاص و قيس بن سعد بن عبادة.

خط الشام، ج ۵، ص ۲۵۱ - شواهد التنزيل للحاكم الحسكاني، ج ۱، ص ۲۵۶ - مناقب علي بن أبي طالب لابن مردويه الأصفهاني، ص ۷۲

این روایت از شیعه نیست و أبو سعید خدری هم شیعه نیست و این کتابها از شیعه نیست.

پس ما به آقای دکتر احمد طیب، شیخ الأزهر که وحشت دارد مذهب شیعه در مصر یا کشورهای اسلامی منتشر شود و جوانان أهل سنت به طرف مذهب شیعه کشیده شود، می‌گوییم که گفته او، هم خلاف بیانیه مجمع جهانی فقه اسلامی در اردن است و هم مخالف نظریه شیخ أسبق الأزهر (شیخ شلتوت) و شیخ سابق الأزهر (طنطاوی) و علماء بزرگ أهل سنت است و مذهب شیعه این افتخارات را دارد، ولی مذهب أهل سنت این چنین افتخاری ندارد.

افتخار شیعه به حدیث ثقلین

مضافاً که شیعه مفتخر است به این سخن نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) که أهل بیت (عليهم السلام) و عترت را عِذْل و همطراز قرآن قرار داد و فرمود:

إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي، إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي.

عمل کرده است. جناب دکتر احمد طیب! با همه احترامی که برای شما و همفکران شما داریم، برای ما بفرمایید که شما به کدام سخن نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) عمل می‌کنید؟ آیا پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرموده است:

إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و أصحابي.

که آمده‌اید صحابه را در برابر عترت قرار داده‌اید؟ آیا روایتی از نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) دارید که قول صحابه را حجت بکند، همانند قول قرآن؟ مضافاً که خودتان می‌گویید پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) منع کرد از کتابت حدیث و فرمود احادیث مرا ننویسید. شما در کتاب‌های خود نقل کرده‌اید وقتی نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) در آخرین لحظات عمر شریفش فرمود:

هلم أكتب لكم كتابا لن تضلوا بعدي.

جناب خلیفه دوم گفت:

إن الرجل ليهجر، حسبنا كتاب الله.

یا:

قد غلبه الوجع، حسبنا كتاب الله.

کتاب خدا برای ما کفایت می‌کند و نیازی به نوشته رسول الله نیست.

طبق تصریح بزرگان شما، بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)، طبق نقل عایشه، أم المومنین، جناب خلیفه اول دستور داد تمام احادیث نوشته شده از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را جمع کردند و به ۵۰۰ حدیث رسید و تمام آنها را سوزاند و دستور داد کسی حق نقل روایات پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را ندارد. خلیفه دوم هم دستور داد کسی حق نقل روایات پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را ندارد. عبد الله بن مسعود، أبو درداء را برای این که حدیث پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را نقل می‌کرد، کتک زد و زندان انداخت. بزرگان شما می‌گویند تا اواخر قرن اول، تا زمان عمر بن عبد العزیز، احادیث پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نوشته نشد و اولین کسی که دستور کتابت احادیث را داد، ایشان بود. حتی در زمان خود ایشان هم، دستورش عملی نشد و در سال ۱۲۵ هجری، در زمان ابن شهاب زُهری، این کار عملی شد.

أحاديث شما حدود ۱۰۰ سال بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نوشته شده است. ولي افتخار ما این است که أحاديث نبی مکرم (صلي الله عليه و آله)، توسط أمير المؤمنين (عليه السلام) و أهل بيت (عليهم السلام) نوشته شده است؛ صحيفه أمير المؤمنين (عليه السلام) و صحيفه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها). اولین کتاب ما، توسط ابن أبي رافع، صحابه علي بن أبي طالب (عليه السلام) در دست ما است. کتاب سُليْم بن قيس که از صحابه علي بن أبي طالب (عليه السلام) است، در دست ما است. افتخار ما این است که در زمان ائمه (عليهم السلام)، بیش از ۶۶۰۰ کتاب نوشته شده و از این تعداد، ۴۰۰ کتاب مادر و مصدر به نام أصول أربعمائة انتخاب شده است. کتاب کافی کليني، تبويب آن أصول ۴۰۰ گانه است؛ این افتخار ما و ویژگی مذهب شيعه است.

والسلام عليكم و رحمة الله